

نقش اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده در رضایت زناشویی زوج های شاغل

Role of trust in interpersonal relationships and family hardiness in marital satisfaction in working couples

sahar khandandel
Hossein Kavianfar

سحر خندان دل*
حسین کاویان فر**

Abstract:

this research performed with the aim of studying trust relationship in interpersonal relationships and family hardiness with marital satisfaction. this research is descriptive and correlation type. This research statistical universe is about all couples who either both or one of them is working in Tehran municipal and it is past at least one year of their marriage. That among them, 381 men and women were selected by multi-stage random sampling and were tested by Otrich, s marital satisfaction questionnaire, trust in interpersonal relationships questionnaire and family hardiness scale. Data were analyzed via descriptive statistics (center tendency indexes and dispersion indexes) and inferential statistics (multiple regressions) and spss software. research results showed that trust in interpersonal relationships and family hardiness with marital satisfaction have positive and meaningful correlation ($p < 0.01$). elements of contradiction solution and marital satisfaction can predict the changes related to family hardiness in 0.01 Alfa level. And these two variables explanted family hardiness changes in order 0.478, 0.384 percent. And the elements of communications and satisfaction can predict changes related to trust in interpersonal relationships in 0.01 Alfa level. And these two variables explanted trust changes in interpersonal relationships in order 0.329, 0.453 percent. These research conclusions cleared the importance of trust in interpersonal relationships and family hardiness on marital satisfaction of married employers.

Key words: trust, family hardiness, marital satisfaction, working couples.

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی رابطه اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده با رضایت زناشویی اجرا شد. پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوج هایی که یکی از آنها در شهرداری شهر تهران شاغل بوده و حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته است. که از میان آنها ۳۸۱ زن و مرد به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و با پرسشنامه های رضایت زناشویی اتریش، پرسشنامه اعتماد در روابط بین فردی و مقیاس تاب آوری خانواده مورد آزمون قرار گرفتند. داده ها از طریق آمار توصیفی (شاخص های گرایش به مرکز و شاخص های پراکندگی) و آمار استنباطی (رگرسیون چند گانه) و از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته های پژوهش نشان داد که اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری دارند ($p < 0.01$). سازه های حل تعارض و رضایت زناشویی می توانند تغییرات مربوط به تاب آوری خانواده را در سطح آلفای ۰/۰۱ پیش بینی کنند. و این دو متغیر به ترتیب ۰/۴۷۸ و ۰/۳۸۴ درصد از تغییرات تاب آوری خانواده را تبیین می کنند. و سازه های ارتباطات و رضایت زناشویی می توانند تغییرات مربوط به اعتماد در روابط بین فردی را در سطح آلفای ۰/۰۱ پیش بینی کنند. و این دو متغیر به ترتیب ۰/۳۲۹ و ۰/۴۵۳ درصد از تغییرات اعتماد در روابط بین فردی را تبیین می کنند. نتایج پژوهش اهمیت اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده بر رضایت مندی زناشویی را آشکار ساخت.

واژه های کلیدی: اعتماد، تاب آوری در خانواده، رضایت زناشویی، زوج های شاغل.

Sahar.khandandel@gmail.com

* کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).

** کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

مقدمه

امروزه در اغلب کشورها سبک زندگی از خانواده های با یک نان آور به سمت خانواده های با دو نفر شاغل تغییر کرده است، به گونه ای که زوج های هر دو شاغل، تعداد زیادی از زوج ها را تشکیل می دهند (شلتون^۱، ۱۹۹۱؛ به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۶). در این زوج ها علی رغم اینکه همسر شاغل نسبت به همسر غیر شاغل شوهرش را بهتر حمایت می کند (شویتز^۲، ۱۹۸۰؛ به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۶) و از نظر اقتصادی وضعیت بهتری دارند و اضطراب کمتری را در مسایل مادی تجربه می کنند، اما در زندگی آنها انواعی از تعارض های خانوادگی و کاری وجود دارد که تنیدگی های شغلی، فشار کاری زیاد، تعارض های نقش، مشکلات مربوط به مراقبت از کودک، نگهداری از بزرگسالان و مسایل مربوط به تعادل شغل، خانواده و نیاز های شخصی از جمله آنهاست (اسنایدر^۳، ۱۹۸۰؛ به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۶).

در جوامع مختلف روابط زوجی ارزش زیادی دارد به طوری که بیشتر از ۸۰ درصد از افراد طلاق گرفته دوباره ازدواج می کنند (گولدنبرگ^۴، ۲۰۰۰؛ به نقل از نظری و نوایی نژاد، ۱۳۸۵). تحقیقات بین المللی نشان می دهد که ۷۰ درصد مردان و ۸۳ درصد از زنان تعارض شدید بین نقش ها و تضاد های کار و خانواده را تجربه می کنند (کوپر^۵، ۱۹۹۱). پرون^۶ و ورتینگتون^۷ (۲۰۰۱) فشار نقش اجتماعی افراد در زوج های دو شغلی را مورد تحقیق قرار دادند، آنها دریافتند که فشار شغل-خانواده به رضایت مندی پایین در خصوص سبک زندگی دو شغلی و ارزیابی منفی از ازدواج مربوط است. تحقیق آنها همچنین نشان داد که با افزایش همکاری بین شوهر و همسر اثر منفی فشار نقش بر روی رضایت زناشویی کاهش می یابد. محققان اهمیت جنسیت زدایی از مسئولیت های خانه داری و کار را برای مشارکت مسئولیت پذیری و تعادل اثر بخش نقش های کاری و خانوادگی در کاهش فشار نقش، نشان داده اند (ساگیناک^۸، ۲۰۰۵). در درجه اول پیوند میان ویژگی های روانی-شخصیتی زوج ها با میزان سازگاری آنها در روابط زناشویی شان، به باور اسمیت و پترسون^۹ (۲۰۰۸) به این دلیل است که جنبه ها یا ابعادی از ویژگی های روانی-شخصیتی افراد می تواند به سان یک عامل تنش زا در لحظه لحظه زندگی در روابط زناشویی آنها وارد عمل شود. از طرف دیگر هر یک از ویژگی های افراد، الگوهای خاص رفتاری و عملکردی را به آنها تحمیل می کند

1. Shelton Ba.

2. Shaevitz M.

3. Snyder Dk.

4. Goldenberg H.

5. Cooper R.

6. Perrone

7. Warthington

8. Saginak

9. Smith & Peterson

(آویسی، اوکانلی، کارابولوتلو و بیل گیلی^۱، ۲۰۰۹؛ فیرکلوت و کامینگز^۲، ۲۰۰۸؛ گاگنون، هرسن، کاباکوف و ون هسلت^۳، ۱۹۹۹).

رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است. رضایت زناشویی یک ارزیابی هیجانی-شناختی فرد از رابطه زناشویی می باشد (اسپرجر^۴ و همکاران، ۲۰۰۸؛ گریف^۵، ۲۰۰۰). به طور کلی می توان گفت که رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه های مختلف روابط زناشویی خود دارند (بیرامی، فهمی، اکبری و امیری، ۱۳۹۱). پژوهش های متعددی به بررسی رضایت زناشویی و سطح سلامت روانی در زوج ها پرداخته اند که تعداد زیادی از این پژوهش ها نشان داده اند که رابطه قوی معناداری بین رضایت زناشویی و سلامت روانی زوجین وجود دارد (هرلبرت^۶، ۲۰۱۱). تعارض زناشویی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیاز ها و روش ارضای آنها، خود محوری، اختلاف در خواسته ها، طرحواره های رفتاری، رفتار غیر مسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف^۷، ۱۹۹۶؛ گلاسر^۸، ۲۰۰۰؛ به نقل از آریامنش و همکاران، ۱۳۹۲). تحقیقات متعدد رابطه تعارض های زناشویی را با افسردگی، اختلالات خوردن، بیماری های خاص مثل سرطان و بیماری های قلبی تایید کرده اند. در واقع رفتارهای خصمانه در طی تعارض، با تغییرات دستگاه ایمنی بدن در ارتباط است (فینچام^۹، ۲۰۰۳). تحقیقات نشان داده اند که موفقیت بزرگسالان در دستیابی به رشد عاطفی و کفایت در روابط بین فردی، با تجارب عاطفی آنها در خانواده اصلی گره خورده است (اسکودون، استانلی و شاپیرو^{۱۰}، ۲۰۰۸، به نقل از بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱).

به اعتقاد فوکویاما^{۱۱} (۲۰۰۴)، اعتماد اجتماعی، جزء اساسی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، قابلیت است که از شیوع اعتماد در یک جامعه یا بخشی از آن برمی خیزد و میتواند در کوچک ترین و بنیادی ترین گروه اجتماعی، یعنی خانواده و نیز در بزرگترین گروه ها، مثل ملت و همه گروه های دیگر درون آن گنجانده شود (به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۴). به یقین، اعتماد، یکی از مهم ترین کیفیت ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته

1. Avci, Okanli, Karabulutlu & Bigili

2. Faricloth & Commings

3. Gagnon, Hersen, Kabacoff & Van Hasselt

4. Sprechir

5. Greeff

6. Holbert

7. Sharf

8. Glaser

9. Fincham

10. Skowron, Stanley & Shapiro

11. Fokouyama

مرکزی رابطه ایده آل در نظر گرفته می شود (براون^۱، ۲۰۰۱). اعتماد در رابطه زناشویی شامل سه بعد وفاداری، پیش بینی پذیری و قابلیت اتکا است که وفاداری، مهم ترین عامل اعتماد در رابطه زناشویی است (رمپل، هوملز و زانا^۲، ۱۹۹۶؛ به نقل از کروزر^۳، ۲۰۰۷). اعتماد، باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتکا به یک ادعا با اظهار نظر، بدون آزمون کردن آن است (لیون^۴، ۲۰۰۲). اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می شود که افراد و امور و دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز^۵، ۱۳۷۸). اریکسون معتقد است این اعتماد، محصول فرآیند های دوره نوزادی است، اگر دیگران نیاز های اصلی مادی و عاطفی نوزاد را تامین کنند، حس اعتماد در کودک به وجود می آید، اما عدم تامین این نیاز ها، سبب می شود نوعی بی اعتمادی نسبت به جهان، به ویژه در روابط شخصی به وجود آید (جرالد^۶، ۱۹۹۶).

زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود همراه با اضطراب و کشمکش تحمل ناپذیری است که ممکن است باعث از هم پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی های او را تسهیل می کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه ای خلاق و شکوفا تبدیل می سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند (پوتنام^۷، ۲۰۰۰). مطالعات انجام شده درباره اعتماد، بیانگر این مطلب است که اعتماد بر مبنای دانش و تجربه است. اگر اعتمادی که در مراحل بعدی به وجود می آید، همتراز با اعتمادی که در مراحل اولیه وجود داشت، باشد، اعتماد قوی و مستحکم می شود و ثبات اجتماعی افزایش می یابد و باعث می شود اعتماد از یک نسل به نسل دیگر انتقال یابد (اردن^۸، ۲۰۰۹). روسو^۹ و همکاران (۱۹۹۸) خاطر نشان می کند که اعتماد یک حالت روان شناختی همراه با آسیب پذیری بالقوه است و مبتنی بر انتظارات مثبت از اهداف یا رفتار های دیگران می باشد. وجوه اعتماد شامل صداقت، خیرخواهی، قابلیت اطمینان، شایستگی و گشودگی هستند (لویکی^{۱۰}، تام لینسن، گیل، ۲۰۰۶). صداقت، این انتظار است که بتوان بر مبنای آن بر روی حرف، قول، بیان شفاهی یا کتبی افراد یا گروه

1. Brown

2. rempel, holmes & zanna

3. kruse

4. Lyon F.

5. Gidenz

6. Gerald C.

7. Putnam

8. Erden

9. Rousseau

10. lewicki

های دیگر تکیه کرد (راتر^۱، ۱۹۶۷). قابلیت اطمینان نیز، میزان قابل اتکا بودن یا تصور از توانایی دیگران در فراهم نمودن نیازها را می‌رساند. شایستگی یک مبنای ذهنی است که احتمال واکنش همراه با اعتماد، نسبت به دیگران را افزایش یا کاهش می‌دهد (اسمیت^۲، شوهو، ۲۰۰۷). گشودگی، خیابان دو طرفه ای است که افراد داوطلبانه و با طیب خاطر اطلاعات فردی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند (گیگ^۳، ۲۰۰۳). توکودا^۴ و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه اعتماد در دو سطح عمودی و افقی با سلامت افراد در آسیا پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افراد جوان تر، متاهل، دارای درآمد بالا و تحصیلات عالی در روابط شخصی و اجتماعی خود، از میزان اعتماد بالا برخوردارند.

برنارد^۵ (۱۹۹۴؛ به نقل از پترسون، ۲۰۰۲) چندین ویژگی خانواده‌ها که با تاب آوری شخصی ارتباط دارد را معرفی می‌کند. او بیان می‌کند که ارتباط کودک-والد، حداقل تعارض در محیط خانواده، حمایت اعضاء از یکدیگر با تاب آوری فرد مربوط می‌باشد. در این ارتباط محمدپور و همکاران (۱۳۸۶) دریافته‌اند که زنان کارمند در مقایسه با زنان خانه دار در رویارویی با مشکلات، تاب آوری بیشتری دارند (به نقل از شاکری نیا و محمدپور، ۱۳۸۹). تاب آوری، به فرآیند پویای انطباق مثبت با تجربه های تلخ و ناگوار اطلاق می‌شود (لاتار و چیچتی^۶، ۲۰۰۰؛ ماستن^۷، ۲۰۰۱). تاب آوری، که مقاومت در برابر استرس (گارمزی^۸، ۱۹۸۵) یا رشد پس ضربه ای (تدشی، پارک و کالان^۹، ۱۹۹۸) نیز نامیده شده است، در امتداد یک پیوستار با درجات متفاوت از مقاومت در برابر آسیب های روان شناختی قرار می‌گیرد (اینگرام و پرایس^{۱۰}، ۲۰۰۱). تاب آوری، بر این تعریف، فراتر از جان سالم به در بردن از استرس ها و ناملایمات زندگی است (بونانو^{۱۱}، ۲۰۰۴) و با رشد مثبت، انطباق پذیری در رسیدن به سطحی از تعادل پس از به وجود آمدن اختلال در وضعیت تعادلی پیشین، مطابقت می‌کند (ریچاردسون^{۱۲}، ۲۰۰۲). نظریه های فعلی، تاب آوری را سازه ای چند بعدی متشکل از متغیرهای سرشتی، مانند مزاج و شخصیت، همراه با مهارت های مخصوص، مثل مهارت حل مسئله، می‌دانند (کمپل-سیلس، کوهان، استین^{۱۳}، ۲۰۰۶). روان شناسان بالینی، اخیراً مدل هایی از تاب آوری را تحت شرایط فقدان، مصیبت، افسردگی و درد بررسی کرده (بونانو، ۲۰۰۴؛

¹¹. Rotter

¹. Hoy Wk. & Smith Pa.

². Gage

³. Tokuda

⁴. Bernard

⁵. Luthar & Cicchetti

⁶. Masten

⁷. Garnezy

⁸. Tedeschi, Park & Calhoun

⁹. Ingram & Price

¹⁰. Bonano

¹¹. Richardson

¹². Campbell-Sills, Cohan & Stein

چارنی^۱، ۲۰۰۴؛ زاترا، جانسون، دیویس^۲، ۲۰۰۵؛ سوتیک، ویتیلینگام^۳ و چارنی، ۲۰۰۵). محققان تاب آوری و آسیب پذیری را دو قطب متضاد یک پیوستار می دانند. آسیب پذیری به افزایش احتمال پیامدهای منفی در برابر خطرات اطلاق می شود (فرگوس و زیمرمن^۴، ۲۰۰۵). ترکیب عواملی، باعث شکل گیری تاب آوری می شود. یکی از این عوامل نوع رابطه و تعاملات در خانواده است. مطالعات خانواده، امروزه بیشتر در جهت این موضوع است که چطور افرادی در برخورد با عوامل استرس زا، توان مقابله و مقاومت را دارند و چطور خانواده بر این توانایی اساسی افراد اثر می گذارد (فید زپاتریک و کوئونو^۵، ۲۰۰۴؛ به نقل از کشتکاران، ۱۳۸۸). مندل^۶ و همکارانش (۲۰۰۶) دو وجه را در مفهوم تاب آوری مهم می دانند، یکی اینکه افراد حادثه تروما و فشار و سختی را تجربه کند و دوم اینکه در برابر حوادث انعطاف پذیر باشند و دست به جبران برای بازگشت به عملکرد و کارکرد های معمول خود بزنند (به نقل از کشتکاران، ۱۳۸۸).

به باور ماستن (۲۰۰۱) هنگامی که فاجعه از سر بگذرد و نیاز های اولیه انسانی تامین گردد، آنگاه تاب آوری به ظهور می رسد. در نتیجه فرآیند تاب آوری، اثرات ناگوار، اصلاح یا تعدیل می شوند و یا حتی ناپدید می گردند (انزلیچت^۷ همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از نریمانی و عباسی، ۱۳۸۸). یکی از پژوهش های مهم در زمینه ویژگی های افراد تاب آور، پژوهش ماستن، بست و گارمزی^۸ (۱۹۹۰) است که به سه ویژگی بارز در افراد تاب آور اشاره داشت. این خصایص عبارت اند از: توانایی رشد و پیشرفت با وجود شرایط ناگوار و پرخطر و بروز پیامد های مثبت پس از تجربه کردن آنها، قابلیت همیشگی در عملکرد تحت فشار روحی و تنشی و توانایی بازگشت پس از ضربه روحی ناشی از تجربه موقعیت های ناگوار در زندگی (به نقل از جلیلی و حسینچاری، ۱۳۹۰). از ویژگی های فردی موثر در تاب آوری، توانایی ایجاد خود نظم دهی یا خود کنترلی است. در مجموع، ویژگی های شخصیتی همچون خودپنداری مثبت، اجتماعی بودن، هوش، کفایت در کار آموزی، خودمختاری، عزت نفس، ارتباطات خوب، مهارت های حل مسئله و سلامت روانی و جسمانی، از جمله عوامل موثر بر افزایش تاب آوری در فرد به شمار می روند (بونانو^۹، ۲۰۰۴؛ گا و دی^{۱۰}، ۲۰۰۷؛ ولسکا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۹). آلورد^۱ و همکاران (۲۰۰۵) تاب آوری را به معنای

1. Charney

2. Zautra, Johnson & Davis

3. Southwick & Vythilingam

4. Fergus & Zemmerman

5. Fit Zpatrick & Koenev

6. Mandel

7. Inzlicht

8. Mastem, Best & Garmezy

9. Bonanno

10. Gu & Day

11. Veselska

مهارت ها، خصوصیات و توانمندی هایی تعریف می کنند که فرد را قادر می کنند با سختی ها، مشکلات و چالش ها سازگار شود و اسمیت (۲۰۰۶) معتقد است که تاب آوری فرآیندی است که موجب آگاهی فرد نسبت به توانمندی های خود می شود، اما تاب آوری را می توان به عنوان پیامد این فرآیند نیز تلقی کرد (لایت سی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶)، (به نقل از جمشیدی سولکمو و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده با رضایت زناشویی زوج های شاغل در تهران صورت گرفته است. و بر این اساس، فرضیه های پژوهش به این شرح بررسی می شوند: ۱. بین اعتماد در روابط بین فردی با مولفه های رضایت زناشویی زوج های شاغل رابطه وجود دارد. ۲. بین تاب آوری خانواده با مولفه های رضایت زناشویی زوج های شاغل رابطه وجود دارد.

روش

جامعه و نمونه و روش اجرا پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زوج های شاغل که حداقل یکی از آنها در شهرداری تهران مشغول به کار است را تشکیل می دهد؛ که در فاصله زمانی اجرای پژوهش حداقل ۱ سال از زندگی مشترک آنها گذشته است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای^۳، ۵ منطقه شهرداری تهران از بین ۲۲ منطقه به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس از بین پرسنل شهرداری این ۵ منطقه، ۴۰۰ پرسنل که همسرانشان هم شاغل هستند انتخاب شدند، پس از توزیع پرسشنامه و توضیحات پژوهشگر در نهایت ۳۸۱ پرسشنامه سالم جمع آوری شد.

ابزار سنجش

مقیاس رضایت زناشویی: برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه انریچ^۴ انتخاب شده است. فورز و اولسون^۵ (۱۹۹۷) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمودند. فورز و اولسون (۱۹۸۹) با استفاده از نمونه گیری تصادفی در تحقیق ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادن که با استفاده از این پرسشنامه می توان با دقت ۸۵-۹۵٪ بین زوجین خرسند و ناخرسند تمایز قایل شد. این مقیاس در توسط اولسون در سال ۲۰۰۶ تجدید نظر شد، مقیاس تجدید نظر شده شامل ۴ خرده مقیاس ۳۵ عبارتی است. مولفه های این پرسشنامه به این شرح است: ۱. تحریف آرمانی^۶: نمره بالا نشان دهنده

¹². Alvord

¹. Light Cey

³. Multistage sampling

³. Enrich

⁴. Fowers & Olson

¹. Idealistic Distortion

رابطه غیر واقع بینانه درباره رابطه زناشویی است. ۲. رضایت زناشویی^۱: این مولفه، رضایت و انطباق افراد با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی را اندازه گیری می کند و نمره بالا نشان دهنده رضایت زناشویی بالاست. ۳. ارتباطات^۲: نمره بالا نشان دهنده آگاهی زن و شوهر و رضایت از سطح و نوع ارتباط در روابطشان است. و ۴. حل تعارض^۳: نمره بالا نشان دهنده نگرش های واقع گرایانه درباره تعارضات موجود در روابط زناشویی است. پرسشنامه زوجی اینترچ توسط دیوید اولسون و امی اولسون در سال ۲۰۰۰ روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاس های رضایت زناشویی (۰/۸۶)، ارتباطات (۰/۸۰)، حل تعارض (۰/۸۴) و تحریف آرمانی (۰/۸۳) است و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای خرده مقیاس به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ بوده است و ضریب آلفای بدست آمده در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد نمونه ۳۶۵ زوج، به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۷۷ به دست آمد.

مقیاس تاب آوری خانواده^۴ (FHI): این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط مک کوبین^۵ و همکاران به منظور ارزیابی میزان تاب آوری خانواده در مقابله با استرس ساخته شد. این آزمون که دارای ۲۰ عبارت است به منظور سنجشش خصیصه یا ویژگی تاب آوری به عنوان منبع مقابله با استرس و سازگاری در خانواده تهیه شده است. این مقیاس دارای ۴ مولفه ی هم جهتی تعهد، اعتماد، چالش و کنترل است، با وجود این به نظر می رسد که نمره کل بهترین شاخص برای تاب آوری باشد. مک کوبین و همکاران به روی ۳۰۴ خانواده پرسشنامه را اجرا کردند، میانگین نمونه ۴۷/۴ با انحراف استاندارد ۶/۷ بدست آمد و ضریب آلفای ۰/۸۲ گزارش شد. همچنین در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ آزمون تاب آوری محاسبه شد که ۰/۸۶ بدست آمد.

مقیاس اعتماد در روابط بین فردی^۶: مقیاس اعتماد توسط رمپل^۷ و هولمز^۸ در سال ۱۹۸۶ ساخته و در سال ۱۹۸۵ تجدید نظر شد. این مقیاس ۱۸ عبارتی شامل سه مولفه است: ۱. پیش بینی پذیری^۹، ۲. قابلیت اعتماد^{۱۰} و ۳. وفاداری^{۱۱}. ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون برابر با ۰/۸۱، و برای زیر مقیاس ها پیش بینی پذیری برابر با ۰/۷۰، قابلیت اعتماد

². Marital Satisfaction

³. Communication

⁴. Conflict Resolution

⁵. Family Hardiness

⁶. Mccubbin

⁷. Trust Scale

⁸. Rempel

⁹. Holmes

¹⁰. Predictability

¹¹. Dependability

¹. Faith

۰/۷۲ و وفاداری ۰/۸۰ گزارش شده است. میزان همبستگی زیر مقیاس ها بدین شرح است: وفاداری و قابلیت اعتماد (در سطح آلفای ۰/۰۱ و ۰/۴۶)، وفاداری و پیش بینی پذیری (در سطح آلفای ۰/۰۵ و ۰/۲۷)، و قابلیت اعتماد و پیش بینی پذیری (در سطح آلفای ۰/۰۵ و ۰/۲۸). همچنین در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ آزمون اعتماد محاسبه شد که ۰/۸۹ بدست آمد.

یافته ها

از ۳۸۱ شرکت کننده ۲۰۷ آزمودنی خانم و ۱۷۴ نفر آنها آقا با میانگین سنی ۳۴ سال می باشند. بعد از توصیف مولفه های پژوهش، از رگرسیون چند متغیره جهت بررسی شدت و میزان رابطه مولفه های پژوهش و تایید فرضیه ها استفاده شده است.

جدول ۱

شاخص های آماری شرکت کنندگان در پژوهش در بین متغیر های پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
رضایت زناشویی	۳۵.۴۹	۶.۱۶	۱۹	۵۰
ارتباطات	۳۶.۹۰	۵.۱۰	۲۵	۴۷
حل تعارض	۳۱.۶۸	۵.۴۷	۲۱	۴۲
تحریف آرمانی	۱۷.۸۵	۳.۱۵	۱۳	۲۵
تاب آوری خانواده	۴۴.۳۱	۲.۱۱	۳۰	۵۷
اعتماد در روابط بین فردی	۶۹.۶۴	۱۱.۱۲	۳۷	۱۱۵

جدول ۱ شاخص های آماری شرکت کنندگان در پژوهش در بین متغیر های پژوهش حاضر را نشان می دهد. در

بین مولفه های رضایت زناشویی، تنها می توان میانگین مولفه ارتباطات (۳۶.۹۰) را نشان دهنده ارتباطات بالای زوجین شاغل تفسیر کرد و میانگین سه مولفه رضایت زناشویی، حل تعارض و تحریف آرمانی طبق هنجارها و نقاط برش آزمون در حد متوسطی می باشند.

جدول ۲

نتایج ماتریس همبستگی پیرسون در مورد رابطه میزان اعتماد و مؤلفه‌های رضایت زناشویی

	۱	۲	۳	۴	۵
۱ اعتماد در روابط بین فردی	۱				
۲ رضایت زناشویی	.۸۳۹**	۱			
۳ ارتباطات	.۶۴۴**	.۷۸۶**	۱		
۴ حل تعارض	.۳۸۰**	.۴۹۰**	.۸۵۹**	۱	
۵ تحریف آرمانی	-.۴۶۰**	.۱۹۸*	-.۱۳۶*	.۷۶۰**	۱

I: میزان همبستگی پیرسون / **: معناداری در سطح ۰/۰۱ / *: معناداری در سطح ۰/۰۵

با توجه به فرضیه اول پژوهش که به دنبال رابطه اعتماد در روابط بین فردی و مولفه‌های رضایت زناشویی است، طبق جدول ۲ و با توجه به مقدار ۲ و سطح $\alpha = 0.01$ رابطه اعتماد در روابط بین فردی و مولفه‌های رضایت زناشویی از جمله، مولفه رضایت زناشویی با مقدار ۰/۸۳۹، مولفه ارتباطات با مقدار ۰/۶۴۴، مولفه حل تعارض با مقدار ۰/۳۸۰ و مولفه تحریف آرمانی با مقدار ۰/۴۶۰- معنادار است. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تایید می‌گردد. به عبارت دیگر بین اعتماد در روابط بین فردی و مولفه‌های رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. و رابطه بین اعتماد در روابط بین فردی با تمامی مولفه‌های رضایت زناشویی به جز تحریف آرمانی به صورت مستقیم یا مثبت است.

جدول ۳

نتایج رگرسیون چندگانه با هدف تعیین رابطه میزان اعتماد و مؤلفه‌های رضایت زناشویی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
	بتا			
اثر ثابت			۳.۰۴۴	.۰۰۱
رضایت زناشویی		.۴۵۳	۴.۲۳۱	.۰۰۰
اعتماد در روابط بین فردی	ارتباطات	.۳۲۹	۲.۷۴۷	.۰۰۸
	حل تعارض	.۰۸۹	۱.۰۲۳	.۱۵۳
	تحریف آرمانی	-.۱۰۶	-.۰۸۴۳	.۳۶۶

طبق جدول ۳، بین اعتماد در روابط بین فردی و مولفه‌های رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. اعتماد و مولفه رضایت زناشویی به صورت مستقیم ($P: 0.000$) با اطمینان ۹۹ درصدی و ضریب استاندارد بتای ۰/۴۵۳ بوده، و رابطه اعتماد در

روابط بین فردی با مولفه ارتباطات نیز به صورت مستقیم ($P:0/000$) با اطمینان ۹۹ درصدی و ضریب استاندارد بتای ۰.۳۲۹ می‌باشد. طبق این جدول، اعتماد زوج های شاغل بیشترین رابطه را با توجه به میزان بتای محاسبه شده با مولفه رضایت زناشویی دارد، در نهایت بین اعتماد در روابط بین فردی زوج های شاغل و دو مولفه حل تعارض و تحریف آرمانی ارتباط معناداری بدست نیامد.

جدول ۴

نتایج ماتریس همبستگی پیرسون در مورد رابطه تاب آوری و مؤلفه های رضایت زناشویی

۵	۴	۳	۲	۱	
				۱	۱ تاب آوری خانواده
			۱	.۵۸۵**	۲ رضایت زناشویی
		۱	.۷۸۶**	.۶۰۹**	۳ ارتباطات
	۱	.۸۵۹**	.۴۹۰**	.۷۶۹**	۴ حل تعارض
۱	.۷۶۰**	-.۱۳۶*	.۱۹۸*	-.۶۲۷**	۵ تحریف آرمانی

I: میزان همبستگی پیرسون / **: معناداری در سطح ۰/۰۱ / *: معناداری در سطح ۰/۰۵

با توجه به فرضیه اول پژوهش که به دنبال رابطه تاب آوری خانواده و مولفه های رضایت زناشویی است، طبق جدول ۴ و با توجه به مقدار r و سطح $\alpha = 0.01$ رابطه تاب آوری خانواده و مولفه های رضایت زناشویی از جمله، مولفه رضایت زناشویی با مقدار ۰/۵۸۵، مولفه ارتباطات با مقدار ۰/۶۰۹، مولفه حل تعارض با مقدار ۰/۷۶۹ و مولفه تحریف آرمانی با مقدار ۰/۶۲۷- معنادار است. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تایید می گردد. به عبارت دیگر بین تاب آوری خانواده و مولفه های رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. و رابطه بین تاب آوری خانواده با تمامی مولفه های رضایت زناشویی به جز تحریف آرمانی به صورت مستقیم یا مثبت است.

جدول ۵

نتایج رگرسیون چندگانه با هدف تعیین رابطه میزان تاب آوری و مؤلفه های رضایت زناشویی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
	اثر ثابت		۴.۱۱۷	.۰۰۰
	رضایت زناشویی	۰.۳۸۴	۳.۲۶۷	.۰۰۵
تاب آوری خانواده	ارتباطات	۰.۰۹۱	۱.۱۱۶	.۲۶۸
	حل تعارض	۰.۴۷۸	۵.۳۹۸	.۰۰۰
	تحریف آرمانی	-.۰۰۶۳	-.۶۰۴	.۳۴۸

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، بین تاب آوری خانواده و مولفه های رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. تاب آوری خانواده و مولفه رضایت زناشویی به صورت مستقیم ($P:0/000$) با اطمینان ۹۹ درصدی و ضریب استاندارد بتای ۰.۳۸۴ بوده، و رابطه تاب آوری خانواده با مولفه حل تعارض نیز به صورت مستقیم ($P:0/000$) با اطمینان ۹۹ درصدی و ضریب استاندارد بتای ۰.۴۷۸ می باشد. طبق این جدول، تاب آوری زوج های شاغل بیشترین رابطه را با توجه به میزان بتای محاسبه شده با توانایی حل تعارضات خانوادگی دارد، در نهایت بین تاب آوری زوج های شاغل و دو مولفه ارتباطات و تحریف آرمانی ارتباط معناداری بدست نیامد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه اعتماد و تاب آوری با رضایت زناشویی صورت گرفت که با توجه به اطلاعات بدست آمده رضایت زناشویی در سطح معناداری ۰/۰۱ مورد تایید قرار گرفت. بنابراین رابطه بین متغیرهای مورد پژوهش با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. نتایج پژوهش حاضر با فرضیات زیربنایی در رویکرد های نظری همخوانی دارد. در تبیین این یافته ها می توان گفت که:

تائید فرضیه اول نشان می دهد که اعتماد توانسته رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل را افزایش دهد. نتایج پژوهش حاضر در فرضیه اول با اهداف مطرح شده در ادبیات تحقیق هماهنگ و با نتایج پژوهش های فوکویاما (۲۰۰۴)، اردن (۲۰۰۹)، توکودار و همکاران (۲۰۰۹) و گیدنز (۱۳۷۸) همخوانی دارد. به نظر پاتنام (۲۰۰۰) زندگی بدون احساس اعتماد همراه با اضطراب و کشمکش تحمل ناپذیری است اما اعتماد در زندگی رابطه انسان با دیگران را خلاق و خودشکوف می سازد. نتیجه آزمون این فرضیه تائیدی است بر نظر کاکس^۱ (۲۰۰۵) مبنی بر اینکه عامل اعتماد یکی از شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی است و اگر وجود داشته باشد روابط اعضای خانواده موثرتر خواهد بود و اگر هم وجود نداشته باشد مسائل اجتماعی افزایش خواهد یافت (به نقل از شریفیان ثانی، ۱۳۸۴). نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش های رمپل، هولمز و زانا (۱۹۹۶)؛ به نقل از زارعی و همکاران، (۱۳۹۰) و نوریس^۲ و زویگنهافت^۳ (۲۰۰۹) همخوانی دارد. اعتماد، احساس امنیت در مورد رفتار های پیش بینی نشده فرد دیگری است. نبود ارتباط در روابط زناشویی، تعاملات صمیمی و احساس امنیت را به تباهی

1. cox

2. Norris

3. Zweigenhaft

می کشد و سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می شود (سیمپسون^۱، ۲۰۰۹). اعتماد به عنوان یکی از ویژه گی های افرادی که رضایت زناشویی دارند با پژوهش رمپل، راس و هولمز (۲۰۰۱)؛ به نقل از زارعی و همکاران، (۱۳۹۰) که نشان می دهد زوج هایی که سطح اعتماد بیشتری دارند بطور مداوم اسندهای مثبتی را نسبت به یکدیگر و رابطه شان ابراز می کنند و این احساس اعتماد بعنوان یکی از ویژگی های اصلی در کیفیت زندگی، هسته مرکزی در یک رابطه ایده آل زناشویی می باشد (براون، ۲۰۰۱).

تائید فرضیه دوم نشان می دهد که تاب آوری توانسته رضایت زوجین هر دو شاغل را نیز افزایش دهد. نتایج پژوهش حاضر در فرضیه دوم با اهداف مطرح شده در ادبیات تحقیق هماهنگ است. نتایج حاصل از این فرضیه نیز با نتایج پژوهش های (تاگید و فردریکسون^۲، ۲۰۰۴؛ انزلیچت و همکاران، ۲۰۰۶؛ بیسلی و همکاران، ۲۰۰۳؛ ماستن، ۲۰۰۱؛ فریبرگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۶) همخوانی دارد. این پژوهش ها گویای آن هستند که افراد دارای تاب آوری در شرایط استرس و ناگوار سلامت روان شناختی خود را حفظ می کنند و دارای سازگاری روان شناختی هستند و از این طریق باعث افزایش کارآیی و نیز احساس رضایت خود می شوند. تاب آوری جایگاه ویژه ای مخصوصاً در حوزه های روان شناسی تحولی، روان شناسی خانواده و بهداشت و سلامت روانی به خود اختصاص داده است (کمپل-سیلس، کوهان و استین، ۲۰۰۶). تحقیقات نشان داده است که یکی از دلایل واکنش های متفاوت افراد مفهوم تاب آوری است. تاب آوری نه تنها به معنای مقابله با مشکلات در رویدادهای ناگوار، بلکه پاسخ انعطاف پذیر به فشارهای زندگی روزانه است. تاب آوری نوعی ویژگی است که از فردی به فردی دیگر متفاوت است و می تواند به مرور زمان رشد کند. تاگید و فردریکسون (۲۰۰۴)، کارل و چسین^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش های جداگانه نشان دادند که سطوح بالای تاب آوری به فرد کمک می کنند تا از عواطف و هیجان های مثبت به منظور پشت سر نهادن تجربه های نامطلوب و بازگشت به وضعیت مطلوب استفاده کند. از آنجا که افزایش تاب آوری می تواند موجب بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی گردد (شاین و سیم کیم^۵، ۲۰۰۴؛ به نقل از کربلایی شیری فرد، ۱۳۸۵) زوجینی که سطح بالای تاب آوری دارند در رضایت زندگی هم می توانند نمرات بهتری را بدست آورند، این افراد با مشکلات زندگی بهتر می توانند کنار بیایند و زیر بار مشکلات خم نشوند و انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند. با توجه به اینکه توانمندی به فرد تاب آور کمک می کند تا شرایط استرس زا را مدیریت کند و در مقابله با مصائب و ناملایمات نه تنها جان سالم بدر برد (بونانو، ۲۰۰۴) بلکه بتواند به سطح جدیدی از تعادل و رشد مثبت دست یابد و چون تاب آوری فرآیندی پویا است که به متن زندگی وابسته است وقتی

1. simpson

2. Fredickson

3. Friberg

4. Carle & Chassin

5. shin & sim kim

بطور موفقیت آمیز کسب شود قابلیت های فردی را تقویت می کند (ماستن و همکاران، ۲۰۰۱). به عقیده براون و رودز (۱۹۹۱)، به نقل از ایساکسون^۱، (۲۰۰۲) افراد با تاب آوری بیشتر قادر به اعمال کنترل می باشند قادرند خود را از سردرگمی برهانند و سیستم های حمایت اجتماعی و روابط خانوادگی گسترده تری فراهم کنند تا به آنها برای سازگاری بهتر کمک نماید. شماری از پژوهش ها به افزایش سطح سلامت و رضایت مندی از زندگی در رابطه با تاب آوری اشاره داشته اند (آنتونوسکی^۲، ۱۹۸۷؛ لازاروس^۳، ۲۰۰۴؛ سیلمن^۴، ۱۹۹۴؛ به نقل از سامانی و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین باسو^۵ (۲۰۰۴)، هامارات^۶ و همکاران (۲۰۰۱) گزارش کرده اند که این احساس ها ناخرسندی در زندگی را به دنبال داشته اند (به نقل از سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

نتیجه گیری

بطور کلی نتایج نشانگر آن است که بین اعتماد و تاب آوری با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که در برخی از پژوهش ها به گونه ای غیر مستقیم جنبه هایی از مشابهت ها و عوامل مشترک یافت می شود که بر اهمیت رابطه اعتماد و تاب آوری با رضایت زناشویی اشاره شده است. هر چند در خصوص هر یک از متغیرها به تنهایی پژوهش های گسترده ای وجود دارد اما مطالعه ای در بررسی میزان رابطه اعتماد و تاب آوری با رضایتمندی صورت نگرفته است که این نکته یکی از محدودیت های اصلی در این پژوهش بوده است. برقراری رابطه بین متغیرهای مذکور و انجام مداخلات آموزشی در این زمینه می تواند در دو دسته پیامدهای نظری و عملی آشکار شود در سطح نظری گامی در جهت غنی کردن ادبیات پژوهشی موجود بوده نظریه های فعلی را از جهاتی تائید نمایند و هم پرسش ها و فرضیه های جدیدی در مورد میزان رابطه متغیرهای این پژوهش مطرح سازند که پاسخ به پرسش ها و فرضیه های مبتنی بر آنها نیازمند پژوهش های مستقلی در حوزه های دیگر است که به پژوهشگران و علاقمندان پیشنهاد می شود. در سطح عملی یافته های این پژوهش را می توان در تدوین برنامه هایی برای افزایش اعتماد و تاب آوری زوجین بکار برد تا به آن ها کمک شود تا با بالا بردن سطح اطلاعات خود نیز سطح رضایت زناشویی خود را نیز افزایش دهند.

¹. Issacson

². antonovsky

³. lazarus

⁴. Silliman

⁵. Basu

⁶. Hamart

منابع

- آریا منش، صابر؛ فلاح چای، سیدرضا؛ زارعی، اقبال (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج های رضایت مند و زوج های دارای تعارض زناشویی در شهر بندر عباس. مجله پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳، شماره ۱.
- بیرامی، منصور؛ فهیمی، محمد؛ اکبری، ابراهیم؛ امیری، احمد (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و مولفه های تمایز یافتگی. مجله اصول بهداشت روانی، سال ۱۴، شماره ۱. ۲۹-۲۰
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). کاربرد و نظریه سرمایه اجتماعی در تامین اجتماعی، مجموعه مقاله های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- جلیلی، علی؛ حسینچاری، مسعود (۱۳۹۰). تبیین تاب آوری روان شناختی بر حسب خودکار آمدی در دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار. مجله رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی، شماره ۶. ۲۰-۱
- جمشیدی سولکمو، بهنام؛ عرب مقدم، نرگس؛ درخواه، فریده (۱۳۹۲). رابطه دین داری و تاب آوری در دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز. مجله اندیشه های نوین تربیتی، دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰، شماره ۱. ۴۱-۲۱
- زارعی، سلمان؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۰). تبیین سهم خود متمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش بینی سازگاری زناشویی. مجله دانش و پژوهش کاربردی، سال ۱۲ شماره ۳. ۱۹-۲۶
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام؛ صحرا گرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب آوری، سلامت روانی و رضایت مندی از زندگی. مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران، سال ۱۳، شماره ۳. ۳۲-۳۰
- شاکری نیا، ایرج؛ محمد پور، مهری (۱۳۸۹). رابطه استرس شغلی و تاب آوری با فرسودگی شغلی در پرستاران زن. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال ۱۴، شماره ۲. ۵۵-۴۵
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و چارچوب های نظری. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه، سال ۱، شماره ۲۳-۲۰
- کربلایی شیری فرد، رسول (۱۳۸۵). ساخت و هنجار یابی پرسشنامه ای برای اندازه گیری کیفیت زندگی خانواده هایی با فرزند کم توان ذهنی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته سنجش و اندازه گیری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. مجله دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی. دانشگاه آزاد واحد خوراسگان، شماره ۳۹. ۲۱-۵
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، ترجمه اصغر موفقیان. تهران، نشر نی.
- نیرماني، محمد؛ عباسی، مسلم (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین سرسختی روان شناختی و خود تاب آوری با فرسودگی شغلی. مجله فراسوی مدیریت، شماره ۸. ۹۳-۷۷

نظری، علی محمد؛ گلی، مجید (۱۳۸۶). تاثیر روان درمانی راه حل محور بر رضایت زناشویی در زوج های هر دو شاغل. مجله دانش و تندرستی، دوره ۲، شماره ۴. ۱۷-۳۴

نظری، علی محمد؛ نوایی نژاد، شکوه (۱۳۸۵). بررسی تاثیر برنامه بهبود بخشی ارتباط بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل. تازه های پژوهش های مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۳. ۴۳-۶۴

Avici, I. A., Okanli, A., Kavabulutlu, A. & Bilgili, N. (200۸). Woman's marital adjustment and hopelessness levels after mastectomy. *European journal of oncology nursing*, 13, 299-303.

Brown, D. (2001). The relationship between attachment styles, Trust and marital attitudes of college students. Faculty of the graduate school of psychology. Seton Hall university Los Angeles. California.

Campbell-Sillls, L., Cohan, S.L., & Stein, M.B. (2006). Relationship of resilience of personlity, coping and psychiatric symptoms in young adults. *Behavior research and therapy*, 44, 585-599.

Carle, A.C. & Chassin, L. (2004). Resilience in a community sample of children of alchcoholis: It's prevalence and relation internalising symptomatology and positive affect. *Journal of applied developmental psychology*, 25, 577-596.

Charney, D.S. (2004). Psychological mechanisms of resilience and vulnerability: implications for adaptation to extreme stress. *American journal of psychiatry*, 161, 195-216.

Cooper, R. (1991). *The performance edge: New Strategies to work effectiveness and competitive advantage*. Boston: Houghton – Mifflin.

Erden, A. (2009). Predicting organizational trust level of school managers and teachers at elementary schools, *Procedia social and behavioral sciences*, 2180-2190.

Fergus, S. & Zemmerman, M. A.(2005). Adolescent resilience: Aframework for understanding healthy development in the face of risk, *Proquest health and medical complete*.

Fincham, F. D. (2003). Marital conflict correlates. Structure and context. *Current direction in psychological sciences*, 12, 23-27.

Gage, CQ. (2003). *The meaning and measure of school mindfulness: An exploratory analysis*. Columbus, Oh: Ohio state university.

Gagnon, M. D., Hersen, M., Kabacoff, R. L. & Van Hasselt, V. B. (1999). Interpersonal and psychological correlates of marital dissatisfaction in late life: A review. *Clinical psychology review*, 19 (3), 359-378.

- Garmezy, N. (1985). Stree – resistant children: The search for protective factors. Ing. E. Stevenson (ED), Recent research in development psychopathology. Journal of child psychology, psychiatry book supplement No. 4(PP.213-233).
- Gerald, C. (1996). Theory and practices of counseling and psychology, London, Thonson publishing company.
- Greeff, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. Journal of family issues. 21(8), 948-63.
- Gu, Q., Day, C. (2007). Teachers resilience: A necessary condition for effectiveness. Teaching and Teacher Education, 23, 1302–1316 .
- Holbert, J. M. (2011). The relationship of involvement in a support group. Communication patterns. And marital satisfaction in couples with a genetic mutation for breast and ovarian cancer (BRCA). This sertation of doctor of philosophy. The university of akron.
- Hoy, WK., Smith, PA. & Sweetland, SR. (2007). The development of the organizational climate Index for high school : Its measure and relation ship to faculty trust. The high school Journal, 86, 38 – 49 .
- Ingram, R. E. & Price, J. M. (2001). The roll of vulnerability in understanding psychopathology. New York: The Guilford press.
- Issacson, B.(2002). Characatristics and enhance ment of resiliency in young people. A research paper for master of science degree with major inqunance and conseling, University of Wisconsin–stout.
- Lewicki, Rj., Tomlinson, Ec. & Gillespie, N. (2006). Models of interpersonal trust development theoretical approaches empirical evidence, and feature directions. Journal: Of management. 32,991-1022.
- Luthar, S.S. & Cicchetti,D.(2000). The construct of resilience: Implications for interventions and social policies. Development and psychopathology,12,857-885.
- Lyon, F. (2002). Trust, Network and norms. The creation of social capital in agricultural economies in Ghana–world development. 28,4,663-689.
- Masten, A. (2001). Ordinary magic: resilience processes in development. American psychologist, 56,227-238.
- Norris, S.L. & Zweigenhaft, R.L. (2009) .Self monitoring. Trust and commitment in romantic relation ship. Journal of social psychology. 139. 215–221 .
- Perrone, K. M. & Worthington, E. L. (2001). Factors in fluenncing rating of marital quality by individuals whithin dual – career marriages. A conseptual model. Journal of Conseling psychology, 48, 93-102.
- Putnam, R. (2000). Bowling a’lone. The caliapse and revival of American community. New York. Simon and Schuster.

- Richardson, G. E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of clinical psychology*, 58, 307-321.
- Rousseau, DM., Sitkin, sb., Burt, RS. & Camerer C. (1998). Not so different after all, A cross – discipline view of trust. *A cad manager rev*, 23(3), 393-404.
- Rotter, JB. (1967). A new scale for the measurement of interpersonal trust. *Journal of personality*. 35, 651–655. - Saginak, K. A. & Saginak, M. A. (2005). Balancing work and family, Equity, gender and marital dissatisfaction. *The family journal counseling and therapy for couples and family*. 13, 160-162.
- Simpson, J. (2009). Psychological foundations of trust. *Current directions in psychological science*, 16, 261–268.
- Smith, D. A. & Peterson, K. M. (2008). Over perception of spousal criticism in dysphoria and marital discord. *Behavior therapy*, 39,300-312.
- Smith, PA. & Shoho, AR. (2007). Higher education trust, Bank and race: A conceptual and empirical analysis. *Innovative higher education*. 32, 125–138.
- Southwick, S. M. , Vythilingam, M. & Charney, D. (2005). The psychobiology of depression and resilience to stress: Implication for prevention and treatment. *Annual review of clinical psychology*, 1, 255-291.
- Tedeschi, R. G., Park, C. L. & Calhoun, L. F. (1998). Post traumatic growth : Positive changes in the afterhath of crisis. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbavm associates.
- Tokuda, Y., Fugii, S., Jimba, M. & Inoguchi, T. (2009). The relationship between trust in mass media and the health care system and individual health, evidence from the AsiaBarometer survey. Vol. 7.1.4-10.
- Zautra, A. G. , Johnson, L. M. & Davis, M. C. (2005). Positive effect as a source of resilience for women in chornic pain. *Journal of consulting and clinical psychology*, 73, 212-220.